

# تدوین برنامه‌های جامع مدیریت تالابها با رویکرد مدیریت زیست‌بومی

## مطالعه موردی تالابهای پریشان، ارومیه و شادگان

مدیریت تالابها بر خلاف برخی از سایر اکوسیستمهای طبیعی تا حد قابل ملاحظه‌ای وابسته به شرایط حوضه آبریز و وضعیت فعالیتهای بالادست می‌باشد. هرگونه فعالیت توسعه‌ای و بهره‌برداری منابع در حوضه‌های آبریز منتهی به تالابها پیامدهای قابل توجهی در تالابهای پایین دست خواهد داشت. به همین دلیل تدوین برنامه‌های مدیریت تالابها باید با رویکردهای فراگیر و در مقیاسهای حوضه‌ای باشد. مهمترین رویکرد نوینی که می‌تواند پشتوانه تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت تالابها در این مقیاس باشد رویکرد مدیریت زیست‌بومی است. طرح حفاظت از تالابهای ایران با بکارگیری رویکرد مدیریت زیست‌بومی طی فرایند کاملا مشارکتی در سطح حوضه آبریز و با همکاری کلیه ذینفعان از سطوح محلی تا ملی نسبت به تدوین برنامه‌های مدیریت جامع سه تالاب پریشان، دریاچه ارومیه و شادگان اقدام نموده است. بکارگیری این رویکرد زمینه مناسبی را برای همگرایی کلیه ذینفعان در فرایند مدیریت تالابهای یاد شده فراهم آورده است. در نتیجه علاوه بر تصویب فرابخشی این برنامه‌های مدیریتی در هیئت محترم دولت به عنوان بالاترین مرجع فرابخشی، عملیاتی شدن پروژه‌های اجرایی برنامه‌مدیریت توسط مراجع مختلف آغاز گردیده است. بدیهی است که این رویکرد در مدیریت مناطق حفاظت شده تالابی رهیافت نوینی است که نهادینه شدن آن در مجموعه سازمان حفاظت محیط‌زیست و توسعه در سایر تالابها نقش مهمی در پایداری این زیست‌بومهای ارزشمند خواهد داشت. مقاله حاضر ضمن مرور مبانی روش شناسی، تجربه طرح حفاظت از تالابهای ایران در سه تالاب ارومیه، پریشان و شادگان را ارائه می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت جامع، مدیریت زیست‌بومی، دریاچه ارومیه، تالاب پریشان، تالاب شادگان، ذینفعان

زیستگاه‌های تالابی یکی از بااهمیت‌ترین اکوسیستم‌های طبیعی کره زمین هستند که در اغلب برنامه‌ریزی‌هایی که توسط انسان برای توسعه صورت گرفته است نقش و اهمیت وجود آنها در نظر گرفته نشده است. برنامه‌های توسعه‌ای که بصورت بخشی و به دور از یک نگاه جامع نگر تدوین و اجرایی شده‌اند خسارت‌های جبران ناپذیری را به تالاب‌ها وارد کرده‌اند و اقدامات حفاظتی دستگاه‌های متولی که عمدتاً ناشی از همین نگاه بخشی و به دور از فضای تعامل با سایر ذینفعان بوده است نیز نتوانسته مانع از این روند تخریبی در بسیاری از کشورهای دنیا از جمله ایران باشد.

ایران دارای تعداد زیاد و انواع گوناگونی از تالابها است که اهمیت آنها در زمینه تنوع زیستی در جهان کم نظیر و در خاورمیانه بی‌بدیل می‌باشد. این اهمیت برخاسته از محصولات، عملکرد و خدمات طبیعی است که تالابها فراهم می‌کنند و این در حالیکه در مقایسه با سایر اکوسیستم‌های طبیعی و سایر کاربری‌های ممکن زمین، ارزش این تالابها نسبت به بخشی از قلمرو کشور که اشغال کرده‌اند، بسیار بیشتر می‌باشد.

اماعلی‌رغم ویژگی‌های این اکوسیستم‌های منحصر به فرد، اهمیت تالابها در اقتصاد و کیفیت زندگی مردم مورد توجه کافی قرار نگرفته است و تالابهای ایران در حال تخریب بوده که این آسیبها منجر به از دست رفتن پرشتاب تنوع زیستی با اهمیت جهانی و نیز کاهش فرصت جوامع محلی و جامعه ایرانی برای امرار معاش پایدار و حفظ منابع برای نسلهای آینده شده است. مهمترین دلایل چنین تخریبی شامل موارد زیر می‌باشد:

- تغییرات بیلان آبی، شامل تأثیرات تغییر آب و هوا
- تغییر کاربری زیستگاههای تالابی به ویژه برای کشاورزی و زیرساختها
- آلودگی
- تخریب حوضه آبریز
- بهره‌برداری ناپایدار (شکار، ماهیگیری، چرای دام و ...)
- گونه‌های مهاجم غیربومی

با بررسی دلایل اصلی تخریب تالابها موضوع توسعه ناپایدار، خلا یک نگاه جامع‌نگر و عدم هماهنگی بین دستگاه‌های متولی امر توسعه به خوبی نمایان می‌گردد. این در حالی است که ساختار کنونی و رویکردهای سنتی موجود برای مدیریت تالاب قادر نیست به نحو مطلوب نیازهای مردم محلی و نیز فعالیتهای مخربی که در پیرامون منطقه تالاب در جریان است را مورد توجه قرار داده و کنترل و اداره نماید.

باتوجه به اهمیت، ویژگی‌ها و شرایط اکولوژیک خاص تالابها در طول سال‌های گذشته اقدامات متعددی از سوی دستگاه‌های ذیربط دولتی و غیردولتی در سطوح ملی و محلی به منظور کاهش روند تخریب و یا حتی احیا تالابها صورت پذیرفته است اما عمده این تلاش‌ها معمولاً بصورت بخشی و یا حتی موازی با فعالیتهای سایر دستگاه‌های ذیربط بوده است. این موضوع همواره لزوم ایجاد یک برنامه جامع و ایجاد ساختارهای هماهنگی و بین‌بخشی و اختصاص منابع مالی همگرا و هماهنگ به منظور مدیریت هر یک از اکوسیستم‌های تالابی کشور ضروری به نظر می‌رسیده است.

در همین راستا سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری نهادهای بین‌المللی مرتبط تلاش کرده است در قالب طرح حفاظت از تالاب‌های ایران رویکرد مشارکتی و جامع‌نگری را با عنوان "رویکرد زیست بومی" برای مدیریت پایدار تالاب‌های کشور محک بزند تا با در نظر گرفتن نقش ذینفعان اصلی و فراهم کردن بستر مناسب برای مشارکت آنها در فرایند مدیریت جامع تالاب-ها، نقش موثری را در برنامه ریزی و توسعه پایدار در حاشیه تالاب‌ها ایفا نماید. در نتیجه این تلاش‌ها برنامه‌های جامع مدیریت برای سه تالاب نمونه کشور (دریاچه ارومیه، تالاب‌های پریشان و شادگان) تدوین شده است که هدف از تدوین این برنامه ایجاد یک چارچوب واحد برای برنامه‌ریزی و اقدام نهادهای ملی و استانی ذیربط در سطح حوضه آبریز، بادر نظر گرفتن مبانی مدیریت زیست‌بومی می‌باشد. بدیهی است که این رویکرد در مدیریت مناطق حفاظت شده تالابی رهیافت نوینی است که نهادینه شدن آن در مجموعه سازمان حفاظت محیط‌زیست و توسعه در سایر تالابها نقش مهمی در پایداری این زیست‌بومهای ارزشمند خواهد داشت. مقاله حاضر ضمن مرور مبانی روش شناسی، تجربه طرح حفاظت از تالابهای ایران در سه تالاب ارومیه، پریشان و شادگان را ارائه می‌دهد.

## مواد و روشها

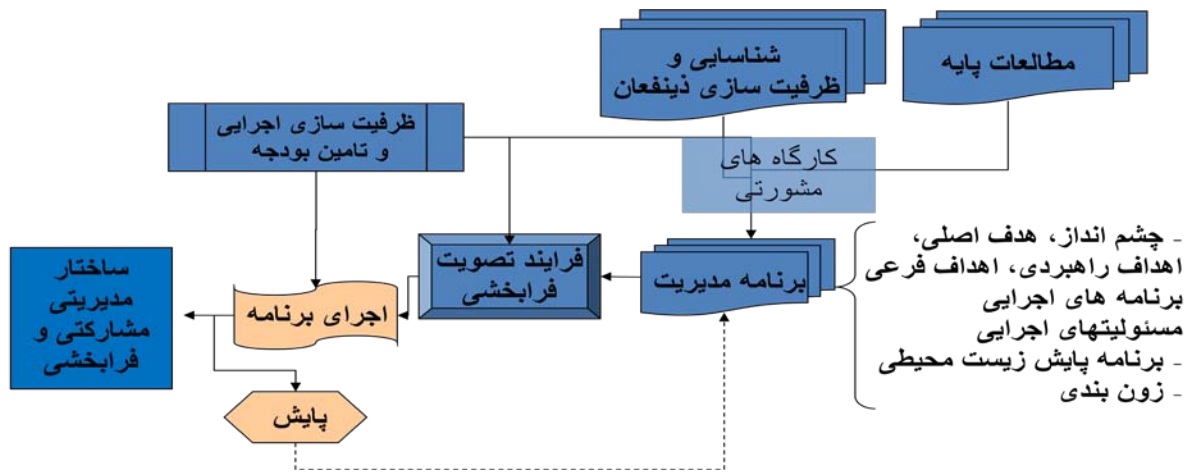
این مقاله حاصل یک فرایند اجرایی سه ساله می‌باشد که در برگیرنده عملیات مختلف مطالعاتی و میدانی بوده است. تدوین این برنامه‌های مدیریتی بر مبنای رویکرد زیست‌بومی<sup>۱</sup> بوده است. مدیریت زیست‌بومی رویکرد حفاظتی پیشرفته‌ای است که در آن حفظ محیط‌زیست با به رسمیت شناختن بهره‌برداریهای معقول اقتصادی، در نظر گرفتن نقش انسان و بویژه جوامع محلی بعنوان بخشی از زیست‌بومها و همچنین در نظر گرفتن ارتباط بین اجزاء مختلف منابع طبیعی و محیط زیست در سطوح فراتر از مرزهای ظاهری زیست‌بومها و غالباً در سطح حوضه آبخیز عملی می‌گردد. این رویکرد در هفتمین کنفرانس کشورهای عضو کنوانسیون تنوع زیستی<sup>۲</sup> مورد تایید قرار گرفته و راهنماهای اجرایی مرتبط برای اساس آن تدوین گردیده است. رویکرد مدیریت زیست‌بومی دارای ۱۲ اصل می‌باشد که در پیاده سازی آن برای تدوین برنامه‌های مدیریتی باید مدنظر قرار گیرد. خلاصه این اصول که در تدوین برنامه‌های مدیریتی مدنظر قرار گرفته‌اند به شرح ذیل می‌باشند.

۱. اهداف مدیریت زمین، آب و منابع زیستی مسئله انتخاب اجتماعی است.
۲. مدیریت باید به کوچکترین سطوح امکان پذیر تمرکززدایی شود.
۳. باید اثرات بالقوه و بالفعل فعالیتهای مدیریتی بر اکوسیستمهای مجاور و سایر اکوسیستمها در نظر گرفته شود.
۴. با در نظر گرفتن منافع حاصل از مدیریت، مدیران باید اکوسیستم را از دیدگاه اقتصادی درک نموده و مدیریت نمایند. جنبه‌های اقتصادی مدیریت زیست بومی یکی از موارد با اهمیتی می‌باشند که در مدیریتهای سنتی چندان مدنظر نبوده‌اند به همین دلیل این اصل به سه معیار اصلی تشریح می‌گردد.

<sup>1</sup> Ecosystem approach

<sup>2</sup> Convention of Biodiversity COP7

۱. کاهش فعالیتهای اقتصادی که بر تنوع زیستی اثرات سوء دارند.
  ۲. هدایت فعالیتهای در راستای ارتقا حفاظت تنوع زیستی و بهره برداری پایدار
  ۳. تا حدا امکان داخلی نمودن هزینه ها و منافع در درون اکوسیستم
  ۵. حفاظت از ساختار و کارکردهای اکوسیستم به منظور بقاء خدمات اکوسیستم باید یکی از اهداف اولویت دار مدیریت اکوسیستمی باشد.
  ۶. اکوسیستمها باید در محدوده های کارکردهای خود مدیریت شوند.
  ۷. مدیریت اکوسیستمی باید در مقیاس متناسب فضایی و زمانی صورت پذیرد.
  ۸. ضمن در نظر گرفتن مقیاسهای موقتی و اثرات کوچکی که شکل دهنده فرایندهای اکوسیستم هستند، اهداف مدیریت اکوسیستمی باید به صورت بلند مدت تنظیم گردد.
  ۹. مدیریت باید در نظر داشته باشد که تغییرات قابل پیش بینی هستند.
  ۱۰. برقراری تعادل مناسب و تلفیق حفاظت و بهره برداری از تنوع زیستی مدنظر است.
  ۱۱. مدیریت اکوسیستمی باید کلیه اشکال اطلاعات مرتبط شامل علمی، بومی و دانش و همچنین نوآوریها و تجار را در نظر بگیرد.
  ۱۲. مدیریت اکوسیستمی باید کلیه بخشها، جوامع و مراجع علمی را درگیر برنامه نماید.
- براساس این اصول مدیریت زیست‌بومی تدوین برنامه‌های مدیریتی طی یک فرایند مشارکتی با درگیر نمودن کلیه ذینفعان اعم از دولتی و غیردولتی و بویژه جوامع محلی و با صرف زمان لازم صورت پذیرفته است. نمودار ذیل خلاصه فرایند اجرایی تدوین برنامه‌های مدیریتی براساس رویکرد زیست‌بومی را نمایش می‌دهد.



نمودار ۱- فرایند تدوین برنامه‌های مدیریت زیست‌بومی سایتهای مطالعاتی

همانطوریکه قبلاً توضیح داده شد این مراحل طی یک فرایند مشارکتی و زمان بر اجرایی گردیده است. برای تدوین هر یک از برنامه‌های مدیریتی حداقل سه کارگاه مشورتی برنامه‌ریزی برگزار گردیده و نتایج هر مرحله به صورت یک پیش‌نویس برنامه مدیریت جهت نظردهی به ذینفعان مرتبط ارسال گردیده است و پس از کسب نظرات ویرایش جدیدی از برنامه مدیریت تهیه گردیده است. بعلاوه در بعضی موارد برای هر بخش فنی برنامه مدیریت نیز کارگاه(های) جداگانه‌ای برگزار گردیده است که از جمله می‌توان به کارگاه‌های تخصصی برگزار شده برای زون بندی و پایش اشاره نمود.

## نتایج

تدوین برنامه‌های مدیریت جامع تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان: همانطوریکه در روش کار توضیح داده شد برنامه‌های مدیریت جامع حوضه آبخیز دریاچه ارومیه، تالاب پریشان و تالاب شادگان طی یک فرایند مشارکتی و پس از انجام رایزنیهای لازم و چند دوره نظر خواهی در سطوح محلی، استانی، حوضه‌ای و ملی تدوین گردیده است که بدین منظور در فاز نخست تلاش گردید ضمن ارتقای آگاهی و ظرفیت سازی نزد کلیه ذینفعان/ دست اندارکاران تالاب های فوق زمینه جلب مشارکت آنان در فرایند تدوین و اجرای برنامه های مدیریتی فراهم گردد. اهم فعالیت های انجام گرفته در فاز نخست این فرایند عبارت است از:

- جمع آوری آمار، اطلاعات و گزارشات پایه در زمینه های هیدرولوژی، اقتصادی- اجتماعی، اقلیم و تنوع زیستی. همچنین شناسایی خلاء های اطلاعاتی و برنامه ریزی جهت برطرف نمودن آن.
  - انجام تحقیق و مطالعات شامل تحلیل ذینفعان، ترتیبات نهادی و سازمانی، ارزیابی سریع مشارکتی و ارزیابی مشارکت محلی.
  - برنامه ریزی و اجرای برنامه های هدفمند جهت آگاهی رسانی و حساس سازی گروههای مخاطب و ذینفع تالابها
  - ظرفیت سازی و ارتقای دانش گروههای هدف شامل کارشناسان دولتی، سازمان های مردم نهاد و جوامع محلی در قالب برگزاری کارگاههای آموزشی و دوره های آموزشی
- در ادامه این فرایند فازهای بعدی برنامه ریزی مدیریتی که شامل تدوین، تصویب، اجرا و پایش خواهد بود در دستور کار قرار گرفت و متعاقباً به انجام رسید. جدول (۱) حاوی برنامه زمانی فعالیت های انجام گرفته در قالب فرایند برنامه ریزی مدیریتی در حوضه دریاچه ارومیه، تالاب پریشان و تالاب شادگان می باشد. لازم به توضیح است که محتوی جدول (۱) با توجه به انجام برنامه های مقدماتی شامل ارتقای آگاهی، ظرفیت سازی و جلب مشارکت ذینفعان/ دست اندرکاران تالابها پیش از آغاز تدوین برنامه های جامع مدیریت دریاچه ارومیه، تالاب پریشان و تالاب شادگان و یا همزمان با آن طراحی گردیده است.

### جدول ۱- برنامه زمانی فعالیت های انجام گرفته در قالب فرایند برنامه ریزی مدیریتی

#### (دریاچه ارومیه، دریاچه پریشان و تالاب شادگان)

تالاب شادگان	دریاچه ارومیه	دریاچه پریشان
تدوین برنامه مدیریت (۱۳۸۷ الی ۱۳۸۹)	تدوین برنامه مدیریت (۱۳۸۶ الی ۱۳۸۸)	تدوین برنامه مدیریت (۱۳۸۶ الی ۱۳۸۸)
تهیه برنامه زون بندی (۱۳۸۹)	تهیه برنامه زون بندی (۱۳۸۸)	تهیه برنامه زون بندی (۱۳۸۸)
تصویب و ابلاغ برنامه مدیریت توسط شورای برنامه ریزی استانداری خوزستان	تهیه برنامه پایش (۱۳۸۸)	تهیه برنامه پایش (۱۳۸۸)

		(دیماه ۱۳۸۹)
تصویب برنامه مدیریت توسط هیئت دولت (اردیبهشت ۱۳۸۸)	امضای سند تفاهم نامه اجرای برنامه مدیریت (۱۳۸۷)	تهیه برنامه پایش (۱۳۹۰)
ابلاغ برنامه مدیریت توسط شورای برنامه ریزی استانداری فارس (شهریور ۱۳۸۸)	تصویب برنامه مدیریت توسط هیئت وزیران (فروردین ۱۳۸۹)	تشکیل کمیته مدیریت استانی تالاب شادگان (خرداد ۱۳۹۰)
تشکیل کمیته مدیریت محلی تالاب پریشان (آبانماه ۱۳۸۸)	تشکیل ستاد اجرایی مدیریت دریاچه ارومیه (فروردین ۱۳۸۹)	تشکیل کمیته مدیریت محلی تالاب شادگان (خرداد ۱۳۹۰)
امضای سند تفاهم نامه اجرای برنامه مدیریت (۱۳۸۹)	تشکیل شورای منطقه مدیریت دریاچه ارومیه (مرداد ۱۳۹۰)	

چارچوب و محتوی برنامه های مدیریت جامع دریاچه ارومیه، تالاب پریشان و تالاب شادگان شامل سرفصل های اصلی روبرو می باشد:

- ۱- روش و مدل تدوین برنامه و فرایند تدوین طرح مدیریت،
  - ۲- خلاصه ویژگی های تالاب شامل (مشخصات فیزیکی، محیط زیست طبیعی، محیط زیست انسانی و ساختار اداری، ارزش ها و تهدیدات)،
  - ۳- بررسی گروههای ذینفع و ذیربط،
  - ۴- طرح مدیریت شامل (رویکرد، چشم انداز، هدف اصلی، اهداف راهبردی و اقدامات اولویت دار اجرایی)،
  - ۵- ساز و کار تصویب طرح، ضمانت های اجرایی و تامین منابع مالی،
  - ۶- ساختار سازمانی مدیریت تالاب شامل ترکیب اعضاء، مسئولیت ها و شرح وظایف،
  - ۷- برنامه پایش تالاب
  - ۸- پهنه بندی حساسیت زیستگاههای تالاب، کاربری های آبی و ضوابط اجرایی.
- در این بخش بعنوان نمونه ساختار محتوایی طرح مدیریت جامع تالاب پریشان در قالب جدول (۲) ارائه گردیده است و نکته قابل ذکر در این خصوص، اینکه طراحی محتوی طرح های مدیریتی کاملاً بسته به شرایط، مشکلات و راهکارهای پیش بینی شده برای هر یک از تالابها و بر اساس نقطه نظرات مطرح شده توسط کلیه دست اندرکاران و ذینفعان تالابها طراحی گردیده است. بعنوان مثال برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه شامل سه راهبرد اصلی مدیریت آب، مدیریت تنوع زیستی و ارتقای آگاهی عمومی بوده و برنامه جامع مدیریت تالاب شادگان شامل چهار راهبرد اصلی مدیریت آب، مدیریت تنوع زیستی، ارتقای آگاهی عمومی و ارتقای معیشت جوامع بومی می باشد.

## جدول ۲- ساختار محتوایی طرح مدیریت جامع تالاب پریشان

چشم انداز مدیریت تالاب: در ۲۵ سال آینده، دریاچه پریشان دارای تنوع زیستی غنی، مناظر طبیعی زیبا و آب سالم بوده و بتواند در خدمت سلامت، معیشت و رفاه جوامع محلی باشد.
هدف اصلی: کاربرد رویکرد اکوسیستمی برای احیا و پایدارسازی دریاچه پریشان برای استفاده جوامع کنونی و نسل های آینده

اهداف راهبردی				
۱. احیا، بهبود و حفاظت از ارزشهای تنوع زیستی دریاچه	۲. بهبود شرایط تامین و ارتقای کیفیت آب برای حفاظت از ارزشهای دریاچه	۳. بهبود کاربری اراضی اطراف دریاچه	۴. ارتقاء منابع و ترویج شیوه های صحیح بهره برداری از منابع دریاچه جهت بهبود وضع زندگی روستائیان	۵. بالا بردن سطح آگاهی عمومی و گسترش امکانات و فرصتها برای انجام تحقیقات و آموزش
اقدامات اولویت دار	اقدامات اولویت دار	اقدامات اولویت دار	اقدامات اولویت دار	اقدامات اولویت دار

تهیه برنامه زون بندی تالاب های پریشان، ارومیه و شادگان: مدیریت فعالیتهای انسانی از طریق زون بندی و دستورالعمل های مربوطه یک عنصر اساسی برنامه مدیریت هر تالابی جهت دستیابی به چشم انداز بلندمدت و بهره برداری خردمندانه از آن خواهد بود. از آنجا که زون بندی تاثیر مستقیم بر طیف متنوعی از بهره برداران تالاب خواهد داشت، لازم است که بستر لازم جهت مشارکت ذینفعان در طراحی، اجرا و انجام زون بندی ایجاد گردد.

بدین منظور ضمن انجام فرایند برنامه ریزی مدیریتی در تالابهای پریشان، ارومیه و شادگان تلاش گردید بطور جداگانه و در اقدامی تکمیلی زون بندی تالاب های یاد شده با مشارکت کلیه دست اندرکاران و ضمن بهره گیری از اطلاعات پایه تالابها، تجربیات کارشناسی و دانش بومی صورت پذیرد. بطور کلی گام های اصلی این فرایند شامل ۱- بررسی حساسیت پهنه های مختلف تالابها نسبت به کاربریهای انسانی، ۲- بررسی کاربری های موجود و فعالیت های مجاز در پهنه های مختلف تالاب و ۳- پیش بینی کاربری های آتی و تدوین ضوابط اجرای زون بندی و بهره برداری پایدار و خردمندانه از تالاب، می باشد. لازم به ذکر است، ضمانت اجرایی مورد نیاز برای زون بندی تالابهای فوق از طریق ارائه نتایج بدست آمده از این فرایند در قالب برنامه های مدیریت جامع دریاچه پریشان، تالاب شادگان و دریاچه ارومیه و مسئولیت یافتن ساختارهای مدیریت فرابخشی این تالابها تامین گردیده است.

تهیه برنامه پایه تالابهای پریشان، ارومیه و شادگان: تدوین و تهیه برنامه های پایه به منظور بررسی و ارزیابی منظم وضعیت موجود و در راستای بروز رسانی اطلاعات و تشکیل بانک اطلاعاتی با هدف ارائه اطلاعات دقیق به کلیه ذینفعان و تقویت فرآیند تصمیم گیری توسط مدیران و کارشناسان نهادهای ذینفع تالاب در دستور کار قرار گرفت. بدین منظور برنامه و پروتکل های پایه در حوضه تالابهای پریشان، ارومیه و شادگان ضمن برگزاری کارگاههای مشورتی با مشارکت کلیه ذینفعان در سه محور اصلی شامل ۱- آب، ۲- تنوع زیستی و ۳- اقتصادی و اجتماعی، تدوین گردیده است. در ادامه نیز اجرای برنامه های پایه به عنوان یکی از ضوابط برنامه های مدیریت جامع تالابهای پریشان، ارومیه و شادگان به کلیه ذینفعان تالابهای فوق ابلاغ گردید. نکته قابل تامل اینکه برنامه های پایه نیز بسته به شرایط اکولوژیک، ارزش های تنوع زیستی، بهره برداری های ناپایدار، مشکلات و چالش های هر تالاب طراحی، تدوین و به مرحله اجرا گذارده خواهد شد و لزوماً این برنامه ها در تالابهای مختلف یکسان نخواهند بود. در این خصوص بعنوان نمونه نتایج محتوایی و پارامترهای پایه مدیریت جامع دریاچه ارومیه در قالب جدول (۳) ارائه می گردد.

### جدول ۳- ویژگی های مورد پایش در برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه

آب	اقتصادی و اجتماعی	تنوع زیستی
کیفیت آب: رودخانه ها، آب های زیرزمینی، دریاچه، تالاب های اقماری، مصارف آب کشاورزی	گردشگری	آرتمیا
		فلامینگو
کمیت آب: رودخانه ها، آب های زیرزمینی، دریاچه، تالاب های اقماری	معیشت جوامع محلی اطراف تالاب ها	پلیکان
		قوچ و میش
نیاز به آب/ استفاده در کشاورزی	مشارکت و افزایش آگاهی رسانی عمومی	گوزن زرد
		رودخانه ها
		تالاب های اقماری

تصویب برنامه‌های مدیریت جامع تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان: موضوع تصویب برنامه های مدیریتی پس از طی کردن مراحل تدوین برنامه های مدیریت جامع تالاب پریشان، ارومیه و شادگان با مشارکت جوامع محلی و سازمان‌های ذیربط دولتی و غیردولتی در دستور کار قرار گرفت و در ادامه این برنامه ها با پی‌گیری‌های انجام شده در بالاترین سطوح ملی و استانی به تصویب رسید.

- برنامه مدیریت جامع حوضه آبخیز دریاچه ارومیه با همکاری ذینفعان در حوضه آبخیز (آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان) و در راستای تحقق بند الف ماده ۶۷ قانون برنامه چهارم توسعه کشور تدوین گردید. اجرای این برنامه در مهرماه سال ۱۳۸۷ در قالب یک موافقتنامه بین ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزرای نیرو و جهاد کشاورزی و استانداران آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان تایید شد و پس از آن نیز در فروردین ماه سال ۱۳۸۹ به تصویب هیئت وزیران رسید.
  - برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان نیز پس از طی فرایند ذکر شده در سفر استانی هیات دولت در تاریخ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ به تصویب رسید و جهت اجراء به استانداری فارس ابلاغ گردید. متعاقبا شورای برنامه ریزی استانداری فارس نیز نسبت به ابلاغ برنامه و فراهم آوردن زمینه تشکیل ساختارهای مدیریتی اقدام نمود. در ادامه تفاهم نامه اجرای برنامه مدیریت تالاب پریشان توسط معاون برنامه ریزی استانداری فارس، فرماندار کازرون، معاون محیط طبیعی اداره کل محیط زیست فارس و نمایندگان سازمان های مردم نهاد و جوامع محلی به امضا رسید.
  - برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان پس از تهیه، در دی ماه ۱۳۸۹ در شورای برنامه‌ریزی استانداری خوزستان تصویب و برای اجرا به کلیه دستگاه‌های دولتی در سطح استان ابلاغ گردیده است.
- ایجاد ساختارهای بین بخشی برای اجرای برنامه‌های مدیریت: به منظور اجرایی شدن برنامه‌های مدیریت جامع، پس از ظرفیت‌سازی مناسب، ساختارهای مدیریتی فرابخشی در سطوح محلی، استانی و ملی با توجه به گستردگی هر یک از تالاب‌ها شکل گرفته است. به منظور حمایت فنی از این ساختارهای مدیریتی کارگروه‌های تخصصی با عناوین مدیریت پایدار منابع آب و کشاورزی، تنوع زیستی و مشارکت مردمی و آگاهی رسانی در هر یک از سایت‌ها شکل گرفته است. مهمترین اقدامات انجام شده در این بخش به شرح زیر می‌باشد:

- ستاد اجرایی مدیریت دریاچه ارومیه در سطح ملی با ریاست معاون اول رییس جمهور، دبیری ریاست سازمان حفاظت محیط زیست و عضویت معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، وزرای نیرو، جهاد کشاورزی، کشور و مسکن و شهرسازی



و استانداران سه استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان با اختیارات هیات وزیران به منظور اجرایی کردن برنامه مدیریت جامع حوضه آبخیز دریاچه ارومیه تشکیل گردیده است. در سطح حوضه نیز شورای منطقه‌ای مدیریت حوضه آبخیز دریاچه ارومیه متشکل از استانداران و مدیران ارشد استانی سازمانهای مرتبط با اجرای برنامه مدیریت جامع از سه استان واقع در حوضه آغاز بکار نموده است.

○ کمیته محلی مدیریت دریاچه پریشان با ریاست فرماندار کازرون، بصورت یک ساختار فرابخشی و با حضور کلیه ارگانهای محلی ذیربط و نمایندگان جامعه محلی و سازمانهای غیر دولتی می‌باشد. در سطح استانی نیز کارگروه آب و کشاورزی شورای برنامه‌ریزی استان به عنوان کمیته هماهنگی استانی اجرای برنامه مدیریت را بر عهده گرفته و امور کارشناسی مربوطه نیز در قالب کمیته فنی تشکیل شده در استان پیگیری می‌شود.

○ کمیته استانی مدیریت تالاب شادگان تشکیل و ضمن صدور ابلاغ برای اعضاء از سوی استاندار خوزستان تشکیل گردیده است. همچنین پیرو ابلاغ صادره از سوی استاندار خوزستان برای فرماندار شهرستان شادگان، کمیته محلی مدیریت تالاب شادگان نیز تشکیل و آغاز بکار نموده اولین است.

لازم به توضیح است که این ساختارها بطور کلی دارای سه سطح اصلی می‌باشند که متناسب با شرایط هر یک از تالابها منجر به ایجاد سازوکارهای سازمانی متفاوتی گردیده است. اولین سطح ساختارهای سازمانی فوق‌الذکر بالاترین سطح سازمانی است که نقش راهبری اصلی و تصمیم‌گیریهی کلان و ستادی مربوط به تالابها را داراست. در این رابطه باتوجه به موقعیت جغرافیایی هر تالاب و ویژگیهای اقتصادی اجتماعی مربوطه بویژه تقسیمات کشوری ساختارهای مختلفی در این سطح ارائه گردیده است. در مورد دریاچه ارومیه که بین سه استان مشترک است و تصمیم‌گیریهی کلان مدیریتی باید در سطح سازمانی بالاتر از استان انجام گردد ستاد ملی با ریاست معاون اول رئیس جمهور و وزرای ذیربط و ریاست سازمان حفاظت محیط زیست شکل گرفته است که شرح مربوطه در بخش قبل ارائه گردیده است. این در حالیست که در مورد تالابهای پریشان و شادگان به دلیل اینکه در داخل یک استان قرار گرفته‌اند بالاترین لایه مدیریتی در سطح استانی و به ریاست استاندار پیش‌بینی گردیده است. البته در صورت امکان، تشکیل یک ستاد ملی تالابها در سطحی که برای دریاچه ارومیه پیش‌بینی شده بهینه‌ترین حالت می‌باشد که فرایند مربوطه در طرح حفاظت از تالابهای کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست در حال پیگیری است ولی در حال حاضر بالاترین سطح ساختار سازمانی تشکیل شده برای این تالابها در حد استانی است.

دومین لایه مدیریتی که در کلیه سایت‌های مورد اقدام یعنی دریاچه ارومیه و تالابهای پریشان و شادگان وجود دارد کمیته فنی استانی است که در واقع نقش بررسی‌های فنی و کارشناسی لازم برای عملیاتی شدن برنامه‌هایی که باید در کمیته مدیریتی تصویب و اجرایی شوند را به عهده دارد. این کمیته علاوه بر نقش فنی و تخصصی دارای ماهیت فرابخشی نیز می‌باشد که بتواند کلیه مباحث مرتبط با مدیریت تالابها را پوشش دهد.

نهایتاً سومین لایه مدیریت در سطح مدیریت محلی پیش‌بینی گردیده است. این سطح بویژه در مورد تالابهای پریشان و شادگان به دلیل ارتباط مستقیم این دو تالاب با جوامع محلی و روستایی نقش موثری دارند تقویت بیشتری پیدا نموده است. در این بخش کلیه جنبه‌های اجرایی و جزئیات مدیریتی تالابها مورد هماهنگی و پیگیری و اجرا قرار می‌گیرد. در این لایه نقش جوامع محلی و سازمانهای مردم‌نهاد بسیار پر رنگ است و کلیه ذینفعان دولتی و غیر دولتی که در سطح محلی با مدیریت تالاب در ارتباط هستند حضور دارند.

## بحث و نتیجه گیری

همانگونه که محتوی این مقاله نشان می دهد، برنامه مدیریت یک نسخه واحد نبوده که بتوان تجربیات بدست آمده در یک تالاب را بدون در نظر گرفتن تفاوت های موجود در مشخصات طبیعی، اقتصادی- اجتماعی، زیستی، فیزیکی و منابع آبی آن و همچنین تعارضات، چالش ها و مشکلات پیش روی تالاب، برای اکوسیستم های تالابی دیگر در کشور تعمیم داد. لذا تنها می توان با مطالعه تجربیات بدست آمده ضمن الگو برداری از روش بکار رفته و نوع رویکردی که پایه انجام فعالیت ها است نسبت به تدوین برنامه های مدیریتی در سایر تالابها بر اساس مشخصات فوق اقدام نمود و در ادامه زمینه اجرای آنرا محقق ساخت. البته بدیهی است که ساختار و بخش بندی برنامه های مدیریتی می تواند متناسب با الگوهای ارائه شده از چارچوب واحدی پیروی کنند ولی مسلما محتوای برنامه های مدیریتی بستگی به خصوصیات تالاب مورد نظر و ویژگیهای اکولوژیک و اقتصادی اجتماعی آن دارد.

تجربیات بدست آمده در خلال برنامه ریزی مدیریت تالابهای شادگان، پریشان و ارومیه با استفاده از رویکرد مدیریت زیست بومی حاکی از ضرورت جلب مشارکت کلیه دست اندرکاران/ ذینفعان تالاب در فرایند تدوین برنامه مدیریت و اجرای آن خواهد بود. در واقع همانطوریکه در اصول مدیریت زیست بومی نیز مشخص می باشد ظرفیت سازی مشارکت ذینفعان مختلف باعث ایجاد حس مالکیت بخش های مختلف و آگاهی کامل از چرایی مدیریت پایدار اکوسیستم های تالابی است و لذا توسعه این تجربیات در سایر اکوسیستم های تالابی پیشنهاد می گردد. نتایج تدوین و اجرای این برنامه های مدیریتی با رویکرد مدیریت زیست بومی و در نظر گرفتن نظرات و اولویتهای ذینفعان مختلف و بویژه جوامع محلی نشان می دهد که هر چند شاید اجرای این برنامه ها با مشکلاتی مواجه باشد ولی به هر حال همکاری بخشهای مختلف ذیربط در مدیریت این تالابها تا حد قابل توجهی افزایش یافته است. این تجربه نشان می دهد که برنامه های مدیریتی تدوین شده و در دست اجراء برای این تالابها جنبه های فرابخشی و مشکلاتی ناشی از آنرا تا حد زیادی شناسایی و تحت اقدام قرار داده است و این درحالیست که برنامه های مدیریتی تالابها و یا مناطق حفاظتی که با این رویکرد تدوین نشده اند یا عملیاتی نشده اند و یا در صورت عملیاتی شدن بیشتر دربرگیرنده مسائل داخلی منطقه و در چارچوب اقدامات و اختیارات سازمان حفاظت محیط زیست باقی مانده اند.

از دیگر مسائلی که در برنامه ریزی مدیریتی با رویکرد مدیریت زیست بومی مورد تاکید است برنامه ریزی برای بهره برداری معقول از منافع اقتصادی تالابهاست. در منابع علمی همواره تالابها جزو اکوسیستمهای دارای بیشترین ارزشهای اقتصادی برشمرده می شوند ولی این مزیت تا زمانیکه برای بهره برداری معقول از این منافع برنامه ریزی صورت پذیرفته است تاثیری در بهبود مدیریت منطقه ندارد. اگر منافع اقتصادی تالابها بطور مناسب شناسایی و در حد ظرفیتهای قابل تحمل محیط مورد بهره برداری خردمندانه قرار گیرند و اگر این منافع اقتصادی مطابق اصل چهارم مدیریت زیست بومی داخلی سازی شده و به جوامع محلی منطقه بازگردد، با ایجاد منافع مشترک بین حفاظت از منطقه و مردم بومی مشارکتهای حفاظتی بطور خودکار افزایش یافته و بسیاری از مسائل مدیریت مناطق تالابی مرتفع خواهد شد. بنابراین در گذر از مدیریت سنتی مناطق تالابی به مدیریت زیست بومی باید توجه ویژه ای به اصل چهارم مدیریت زیست بومی و بویژه جزء داخلی سازی منافع حاصل از اکوسیستمهای تالابی توجه ویژه ای شود.

در خاتمه مهمترین چالش های پیش رو در فرایند برنامه ریزی مدیریتی و اجرای آنرا می توان همسو سازی فعالیت های بخشی، تامین منابع مالی اجرای برنامه، پیش بینی مکانیسم های مالی مشخص و متعهد ساختن نهادهای مختلف در این خصوص،

زمان بر بودن فرایند برنامه ریزی مدیریتی و جلب مشارکت جوامع محلی، برشمرد. از سوی دیگر مهمترین دستاوردهای برنامه ریزی بدین طریق شامل برنامه مند شدن اجرای فعالیت های مدیریتی در حوضه تالاب، درگیر ساختن کلیه دست اندرکاران/ ذینفعان در حفاظت و مدیریت و همچنین افزایش ضریب اطمینان تحقق مدیریت پایدار تالابها و تقویت همکاری های بین بخشی می باشد.

## فهرست منابع

۱. طرح حفاظت از تالابهای ایران- اداره کل حفاظت محیطزیست خوزستان، برنامه جامع مدیریت تالاب شادگان، طرح حفاظت از تالابهای ایران، ۱۳۹۰.
۲. طرح حفاظت از تالابهای ایران- ادارات کل حفاظت محیطزیست آذربایجان غربی و شرقی، برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه، طرح حفاظت از تالابهای ایران، ۱۳۸۹.
۳. طرح حفاظت از تالابهای ایران- اداره کل حفاظت محیطزیست فارس، برنامه جامع مدیریت تالاب پریشان، طرح حفاظت از تالابهای ایران، ۱۳۸۹.
4. M. Moser, A. Lotfi, Guidelines for the Production of Management Plans for Project Demonstration Sites, Conservation of Iranian Wetlands Project, 2007.
5. Ramsar Convention on Wetlands, Managing wetlands (hand book 16), Ramsar handbooks for the wise use of wetlands, 3rd edition, 2007.

# **Developing integrated wetland management plans based on ecosystem approach (Case studies: Lake Uromieh, Parishan and Shadegan Wetlands)**

## **Abstract**

In spite of other ecosystems, wetlands management is highly dependent to the basin and upstream condition. Every developing and water supply projects within the basin may cause considerable effect on downstream wetlands. To address this issue, developing management plans for wetlands should be based on integrated approaches and at the basin level. The most important and known approach which can provide a reliable support for developing management plan at the mentioned scale is “Ecosystem Approach”. Conservation of Iranian Wetlands Project applied this approach in a participatory process at the basin level and with cooperation of all national and local stake holders for developing integrated management plan for Lake Uromieh, Parishan and Shadegan Wetlands. Applying this approach provide a good basis for the convergence and cooperation of all stakeholders in wetland management. As a result, these management plans were approved at the cabinet and provincial planning councils as the highest decision taking structures at national and provincial levels and implementation was started by each responsible institution in the plan. This is a new approach for managing wetland protected areas and institutionalizing it within department of environment and development plans will play a crucial role in sustainability of these valuable ecosystems. This article provides a review on methodology and CIWP experience on three Iranian wetlands, Lake Uromieh, Parishan and Shadegan wetlands.

**Keywords:** Integrated management, Ecosystem management, Lake Uromieh, Shadegan wetland, Parishan wetland, stakeholders